

## جایگاه رشد جزایی در مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه و حقوق ایران<sup>۱</sup>

علمی - پژوهشی

امین فلاح خاریکی \*

حسن حاجی تبار فیروزجائی \*\*

### چکیده

قانونگذار ایران در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جهت اعمال مجازات حد و یا قصاص بر افراد بالغ زیر ۱۸ سال، به طور ضمنی، احراز رشد جزایی مرتکب آن را لازم دانسته که این مهم موجب اختلاف در میان حقوقدانان و رویه قضایی شده است و معلوم نیست با رسیدن به سن بلوغ، اصل، رشد جزایی است یا اصل عدم رشد جزایی؟. نگارندگان، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای و با هدف ارائه یک راه‌حل منطقی در این خصوص، ضمن بیان دیدگاه‌های گوناگون، به این نتیجه رسیدند که حکم مندرج در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی دارای سابقه شرعی و فقهی بوده و قانونگذار تحت عنوان «رشد و کمال عقل یا درک ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن» با پذیرش دیدگاه اقلیت فقهای متقدم و نیز نظر فقهای معاصر، به طور ضمنی مسأله رشد جزایی را در جرائم مستوجب حد یا قصاص ارتكابی توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال پذیرفته است. همچنین، قانونگذار در این ماده قانونی اصل را بر عدم رشد درباره این افراد دانسته است.

**کلید واژه‌ها:** بلوغ، رشد جزایی، مسئولیت کیفری

۱- تاریخ وصول: (۱۳۹۹/۰۶/۲۸) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۰۲/۲۰)

\* دانش آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. ایمیل:

(fallahamin@yahoo.com)

\*\* دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران. (نویسنده

مسئول) ایمیل: (hajitabar@yahoo.com)

## ۱- مقدمه

یکی از نوآوری‌های قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسأله احراز رشد جزایی در جرایم مستوجب حد یا قصاص، جهت اعمال مجازات قانونی برای افراد بالغ زیر ۱۸ سال می‌باشد؛ بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، صرف اثبات بلوغ مرتکب جهت تحقق مسئولیت کیفری و اعمال مجازات در صورت ارتکاب جرایم مستوجب حد و قصاص کافی بود و نیازی به احراز رشد جزایی نبوده است؛ ولی قانونگذار در سال ۱۳۹۲، در راستای همسویی با اسناد بین‌المللی، مبادرت به اتخاذ سیاستی جدید در ماده ۹۱ این قانون نموده است که بر اساس آن احراز رشد جزایی را در شرایط خاص لازم دانسته است. اما تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و رویکرد جدید قانونگذار درباره رشد جزایی که در رسیدگی به جرائم افراد بالغ زیر ۱۸ سال دارای اهمیت است موجب طرح دو سؤال زیر می‌شود: ۱- آیا اساساً حکم مذکور در ماده ۹۱ دارای سابقه شرعی و فقهی بوده است؟ ۲- آیا بر اساس این ماده هماهنگ با ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی به محض بلوغ فرد رشید نیز به شمار می‌آید یا این که بلوغ با رشد ملازمه ندارد و افزون بر احراز بلوغ، رشد نیز باید احراز شود؟ این نوشتار با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با هدف ارائه یک تفسیر منطقی و غایی از موضوع در پاسخ به سوالات فوق و به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی در صدور احکام مربوط به جرائم اطفال و نوجوانان، ضمن بیان تعریف بلوغ و رشد جزایی، چگونگی احراز رشد جزایی، به بیان مبانی فقهی و دیدگاه‌های گوناگون فقها پیرامون موضوع و سپس دیدگاه‌های دکترین حقوقی ایران درباره قلمرو ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی از حیث لزوم و یا عدم لزوم احراز رشد جزایی در افراد بالغ زیر ۱۸ سال خواهد پرداخت.

## ۲- تعریف بلوغ و رشد جزایی

قانونگذار ایران برای قائل شدن مسئولیت کیفری برای اشخاص و تعیین نوع و میزان واکنش اجتماعی در قبال رفتار مجرمانه مفاهیمی چون بلوغ و گاه رشد جزایی را ملاک قرار داده است؛ لیکن تعریف جامع و کامل از این مفاهیم ارائه نموده و حتی ضابطه معین و مشخصی در قانون جهت تشخیص این مفاهیم بیان ننموده است که از موضوعات چالش برانگیز در دادرسی جرائم اطفال و نوجوانان بزهکار می‌باشد؛ چراکه روشن شدن این مفاهیم در نوع مرجع رسیدگی کننده، نوع و میزان واکنش اجتماعی مؤثر خواهد بود. لذا در جهت مشخص شدن تعاریف بلوغ و رشد جزایی و تفاوت بین

آنها و در راستای درک صحیح از این مفاهیم در ادامه به تعریف مفاهیم بلوغ و رشد جزایی می‌پردازیم.

## ۱-۲- تعریف بلوغ

راغب اصفهانی در کتاب المفردات فی غریب القرآن در تعریف بلوغ می‌نویسد: «رسیدن، و بالغ یعنی مکلف (پسر و دختری که به حد تکلیف رسیده باشد، به پایان رسیدن، تسلط یافتن و اشراف داشتن به چیزی، تعبیر شود هر چند که به انتهایش نرسیده باشند» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۹۸-۹۷ و ۳۰۷). همچنین، صاحب جواهر در خصوص مفهوم بلوغ می‌فرماید: «بلوغ در لغت عبارت است از: رسیدن به مرحله باروری و زمان ازدواج. زیرا در این زمان منی در بدن رشد می‌کند و قوه شهوت در انسان اوج می‌گیرد و تمایل به نزدیکی می‌یابد و آب جهنده از انسان بیرون می‌چهد که منشاء آفرینش انسان است و مطابق حکمت ربانی برای بقاء نوع انسان و حتی حیوان لازم است. پس بلوغ کمال طبیعی انسان است و موجب بقای انسان و با بلوغ عقل انسان نیز کامل و بالنده می‌شود و فرد از کودکی به کمال پا می‌گذارد و به سن زنانگی و مردانگی می‌رسد» (نجفی، ۱۳۶۲: ۴/۲۶). بلوغ در فرهنگ لغت فارسی به معنای «رسیدن، نزدیک شدن، واصل شدن یا مشرف به وصول، به پایان رسیدن...» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۴۳۲۹). و همچنین، بلوغ به معنای «به سر رسیدن، رسیدن» آمده است (معین، ۱۳۸۶: ۱/۴۷۴). یا در تعریف بلوغ آمده است: «رسیدن و به کمال رسیدن وظایف جنسی است» (میر محمد صادقی، ۱۳۹۴: ۲۷۴). در منابع فقهی شرایط و نشانه‌هایی برای بلوغ بیان شده است که مطابق نظر مشهور فقهای امامیه عبارتند از: «روییدن موی خشن بر روی عانه (چه در مرد و چه در زن)، خروج منی، داشتن ۹ سال تمام قمری در دختران و ۱۵ سال تمام قمری در پسران (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۵). همچنین، در تعریف بلوغ بیان شده است: «بلوغ مصدری است از ریشه بلغ یعنی رسیدن، کمال نمو تمام و کنایه از رسیدن کودک به رشد قوای جنسی است. بنابراین بالغ کسی است که قدرت بر مباشرت با جنس مخالف خود را داشته باشد» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۹۶/۲). از دیدگاه روان‌شناسی نیز بلوغ سن بحران و ظهور احساسات و هیجانات است که بعد از گذر از دوران نهنفتگی، بر نوجوان عارض می‌شود و پس از طی مراحل رشد طفل وارد دوره‌ای می‌شود که با جوشش هورمون‌های جنسی و بروز عوارض ظاهری بلوغ و ظهور هیجانات نوجوانی قرین است که اصطلاحاً به آن حالت بحران بلوغ می‌گویند (نجفی توانا، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

لذا بنا به مراتب فوق می‌توان گفت در اصطلاح فقهی و حقوقی بلوغ رسیدن به پایان دوره طفولیت و آغاز دوره مسئولیت است. قانونگذار ایران در ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بالغ

بودن شخص مرتکب را حین ارتکاب جرم از شرایط تحقق مسئولیت کیفری دانسته است و در این ماده بیان می‌دارد: «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد، جزء در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است». و از سویی در مقام بیان تعریف از طفل، در تبصره ۱ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی بیان می‌دارد: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد»؛ لیکن مفهوم حد بلوغ شرعی را مشخص ننموده و معیار و ملاکی را نیز جهت تشخیص ارائه نکرده است. از نظر فقهی برای تحقق بلوغ، چند نشانه ذکر شده است و قانونگذار ایران تنها به سن اشاره و به نشانه‌های دیگر نپرداخته است. در فقه امامیه نشانه‌های عبارتند از: ۱- سن ۲- روییدن موی درشت بالای عورت ۳- بیرون آمدن منی (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۵). در این خصوص بیان شده: بلوغ در پسر و دختر به یکی از سه چیز شناخته می‌شود: اول روییده شدن موی خشن در عانه (زیر ناف بالای قُبُل) و موهای ریز و ضعیف اعتباری ندارد؛ دوم بیرون آمدن منی در بیداری یا خواب، با جماع یا محتلم شدن یا غیر این‌ها. سوم سن است و آن در پسر پانزده سال تمام و در دختر نه سال تمام است (خمینی، ۱۳۸۳: ۲۳).

در خصوص سن، هر چند در خصوص میزان آن به عنوان سن بلوغ میان فقها اختلاف نظر است؛ لیکن قانونگذار ایران صراحتاً در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به بیان سن بلوغ پرداخته و سن بلوغ در پسران را ۱۵ سال تمام و دختران ۹ سال تمام قمری دانسته است که در این خصوص ابهام و بحثی نیست؛ چراکه قانونگذار صراحتاً تعیین تکلیف نموده است، لیکن در خصوص روییدن موی درشت بر زهار، فقهای امامیه این مورد را از نشانه‌های مشترک در پسران و دختران بیان نمودند. به طور کلی، دو دیدگاه متفاوت درباره ملاک تعیین بلوغ مطرح است که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد.

### ۱-۱-۲ دیدگاه قائل به احراز سن قانونی

بر طبق یک دیدگاه، ملاک و مبنا جهت احراز بلوغ سن تعیین شده از سوی قانونگذار در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان سن قانونی می‌باشد؛ چراکه اولاً، با توجه به ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که بیان داشته افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند و بلافاصله در ماده ۱۴۷ بیان داشته است: سن بلوغ به ترتیب در دختران و پسران نه و پانزده سال قمری است، از نگاه قانونگذار، سن تعیین شده در ماده ۱۴۷، تنها نشانه بلوغ می‌باشد و اساساً قانون‌گذار با تصویب

مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سن را معیار تفکیک افراد بالغ و غیر بالغ قرار داده است زیرا بعد از ذکر ماده ۱۴۶ مبنی بر عدم مسئولیت کیفری افراد نابالغ در ماده ۱۴۷ مقرر نموده است سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است. ترتیب این دو ماده ظهور در این دارد که قانون‌گذار سن را معیار بلوغ و عدم بلوغ قرار داده است (مصدق، ۱۳۹۸، ۲/۱۴۵).

ثانیاً، از مجموع مقررات مربوط به اطفال در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌توان دریافت که بنای قانونگذار بر این بوده که فقط سن را ملاک مسئولیت قرار دهد؛ از این رو در ماده ۸۸ این قانون آمده است: «درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری شده اند و سن آنها در زمان ارتکاب جرم ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی است، حسب مورد یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌نماید...» و یا در تبصره ۲ همان ماده ۸۸ آورده است: هر گاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از ۱۲ تا ۱۵ سال قمری داشته باشد یکی از اقدامات مقرر در بندهای (د) و یا (ه) فوق محکوم شده و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (ج) این ماده در مورد آنها اتخاذ خواهد شد که دلالت بر این امر دارد که نظر مقنن، براین دیدگاه بوده است که البته از حیث اثباتی در عمل نیز معیار مناسبی می‌باشد.

ثالثاً، قانونگذار در مقام تعریف طفل به حد بلوغ شرعی اشاره نموده؛ لیکن با توجه به نص صریح قانونی و تعیین سن بلوغ از سوی قانونگذار در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اساساً نمی‌توان به اصل ۱۶۷ قانون اساسی مراجعه شود؛ چراکه قانونگذار نسبت به موضوع اظهار نظر صریح نموده است.

رابعاً، قانونگذار در آخرین اراده خود در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ در بند الف ماده ۱ این قانون در تعریف طفل بیان داشته: طفل هر فردی که به سن بلوغ شرعی نرسیده است لذا نشان از پذیرش این دیدگاه از سوی مقنن دارد البته در نظریه مشورتی کمیسیون قوانین جزایی اداره کل حقوقی قوه قضائیه آمده است: طبق ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، "افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند" و مطابق ماده ۱۴۷ همین قانون، سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری است. بنابراین، ملاک و مستند احراز بلوغ طبق قانون، "سن افراد" است که با توجه به تاریخ تولد وی طبق شناسنامه و انقضای مدت ۹ سال قمری (در مورد دختران) و ۱۵ سال قمری (در مورد پسران) از تاریخ تولد فرد (به ترتیب دختر و پسر) بالغ تلقی می‌گردد و آثار و علایم

دیگر که در استعلام به آن اشاره شده، قانوناً ملاک بلوغ محسوب نشده است و چنانچه فردی نابالغ، مرتکب یکی از جرائم موجب حد و قصاص (مانند قتل عمدی) گردد، بر اساس تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مذکور مجازات وی تعیین می گردد.<sup>۱</sup>

خامساً، هر چند در اسناد بین‌المللی از جمله مهم‌ترین سند بین‌المللی در حوزه حقوق کیفری اطفال یعنی در ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ میلادی افراد زیر ۱۸ سال کودک دانسته شده است لیکن در این ماده قید شده مگر این که در قانون داخلی کشورها سن کمتری در نظر گرفته شده باشد که نشان از تعیین سن در جهت تشخیص بلوغ به عنوان معیار تشخیص کودک از بزرگسال می باشد.

## ۲-۱-۲- دیدگاه قائل به احراز حد بلوغ شرعی

بر طبق یک دیدگاه، ملاک جهت احراز بلوغ، رسیدن به حد بلوغ شرعی است و بایستی جهت احراز آن به شرع مراجعه نمود و صرف رسیدن به سن خاص، تنها نشانه بلوغ نیست. چراکه اولاً قانونگذار هر چند صراحتاً در این خصوص اظهار نظر ننموده، لیکن در تبصره ۱ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی بلوغ را ملاک و مبنا در نظر گرفته و اشاره به حد بلوغ شرعی نموده و بیان نموده است: «طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است» و از سویی دیگر در ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بالغ بودن شخص مرتکب را حین ارتکاب جرم از شرایط تحقق مسئولیت کیفری دانسته و در این ماده بیان می‌دارد: «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جزء در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است» که نشان از پذیرش این دیدگاه از سوی قانونگذار است و پذیرش تنها سن بلوغ تعیینی در ماده ۱۴۷ به عنوان سن قانونی در جهت احراز بلوغ، اجتهاد در برابر نص صریح قانون، «حد بلوغ شرعی» قید شده در تبصره ۱ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

ثانیاً، با توجه به این که در تبصره ۲ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری قانونگذار بیان می‌دارد: «طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است»، توجهاً به این که این قانون نسبت به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مؤخر است که قرینه‌ای است برای این که بالغ دانستن مرتکب بایستی

۱- بازگشت به استعلام شماره ۹۶۱۰۱۱۱۲۱۲۰۰۱۸۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۰ به شماره ثبت وارده ۷۸۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۱ شعبه اول دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان استان مازندران مضبوط در صفحه ۱۹۹ از اوراق پرونده به شماره کلاس ۹۶۰۹۹۸۱۲۱۲۰۰۹۸

به شرع مراجعه نمود (الهام و برهانی، ۱۳۹۴: ۲۵۳) و اساساً ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری را به صراحت بر وضعیت بلوغ حمل نموده و در ماده ۱۴۶ نیز افراد نابالغ را مبری از مسئولیت کیفری دانسته است و اشاره قانونگذار در ماده ۱۴۷ به یک علامت بلوغ، نافی وجود سایر علامت بلوغ نیست (همان)؛ چراکه مفهوم بلوغ در قانون تعریف نشده است، ناگزیر با مراجعه به آرای فقهی در آغاز باید دید بلوغ به چه معنی است و بالغ چه کسی را می‌گویند تا معنی نابالغ در قانون مجازات اسلامی مترادف طفل به کاررفته روشن شود؛ چراکه افزون بر نشانه‌های طبیعی، سن به‌عنوان معیاری قراردادی اماره بلوغ شناخته شده است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲/ ۱۹۵ و ۱۹۶).

ثالثاً، هر چند قانونگذار در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سن بلوغ را مشخص نموده لیکن این تعیین سن، حد سن بلوغ است و موضوعیت ندارد که نظریه اداره حقوقی به شماره ۱۳۸۰/۲/۱۶-۱۵۱۳/۷ مؤید این استدلال است.<sup>۱</sup> از سویی قانونگذار هرچند در ماده ۱۴۷ نسبت به تعیین سن بلوغ اقدام نموده است، لیکن در ماده ۳۰۸ قانون گذار تردید در بلوغ را پذیرفته لذا بایستی ماده ۱۴۷ را در کنار ماده ۳۰۸ مدنظر قرارداد و مفاد آن را تفسیر نمود و اگر تنها معیار در تشخیص بلوغ سن تعیینی از سوی مقتن مدنظر مقتن بود، اساساً امکان ایجاد و حدوث تردید مطرح نمی‌گردید و حکم مندرج در قسمت نخست ماده ۳۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مورد اتفاق فقها است (مصدق، ۱۳۹۷: ۱۵۵). بسیار بعید است که قانونگذار با محور قرار دادن سن، باز هم نگران تردید در بلوغ باشد. این تردید ریشه در موردی دارد که نشانه‌های دیگری علامت بلوغ باشد (الهام و برهانی، ۱۳۹۴: ۲۵۳).

رابعاً، در قرآن کریم اشاره سن مشخص به عنوان سن بلوغ نشده و در آیات قرآن، رسیدن به حد نکاح و احتلام را نشانه بلوغ می‌دانند (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۵۱).

خامساً، با توجه به این که طبق اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی و جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد و از نظر فقهی رسیدن به سن خاصی تنها نشانه بلوغ نیست بنابراین این دیدگاه که رسیدن به سن خاصی تنها

۱- نظریه به شماره ۱۳۸۰/۲/۱۶-۱۵۱۳/۷ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: با توجه به فتاوی معتبر فقهای اسلامی، خصوصاً نظر حضرت امام(ره) در تحریرالوسیله رویدن موی زهار از امارات بلوغ است و کسی که این امار در او دیده شود بالغ است هرچند به سن ۱۵ سال رسیده باشد زیرا سن در امر بلوغ موضوعیت ندارد و آن هم از امارات است (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۴: ۴۱۲).

نشانه بلوغ می‌باشد، بر خلاف موازین شرعی می‌باشد و اساساً چنین دیدگاهی مورد پذیرش شورای نگهبان قرار نمی‌گیرد. آنچه قانونگذار به عنوان سن بلوغ قرار داده به عنوان یک نشانه در جهت احراز بلوغ بوده و تنها معیار تعیین کننده در جهت احراز بلوغ، نبوده چرا که موضوع دارای سابقه شرعی بوده و پذیرش چنین نظری از سوی قانونگذار با موازین شرعی مخالف بوده و مورد پذیرش نمی‌باشد و اساساً انحصار بلوغ و عدم بلوغ به سن هیچ مبنای فقهی ندارد و چنین برداشتی امر مغایر با قواعد مسلم شرعی است (الهام و برهانی، ۱۳۹۴: ۲۵۲ و ۲۵۳). علت آن این است که از نظر فقهای امامیه نشانه بلوغ سه چیز است: ۱- سن ۲- روییدن مو درشت روی زهار ۳- بیرون آمدن منی (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۵). و استفتاء به عمل آمده از فقهای معاصر از جمله آیت الله نوری همدانی، آیت الله شبیری زنجانی، آیت الله علوی گرگانی، آیت الله سیستانی<sup>۱</sup> نیز دلالت بر این امر می‌نماید که منشاء بلوغ فقط سن نمی‌باشد و هر یک از نشانه‌ها می‌تواند دلالت بر بلوغ مشخص نماید. قرار دادن سن به عنوان تنها معیار بلوغ نه تنها برخلاف فتاوی فقهای متأخر و معاصر می‌باشد بلکه بر خلاف نص صریح قانون، موضوع مواد ۳۰۴ و ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز است.

سادساً، به کار بردن اصطلاح بلوغ شرعی و یا بلوغ از سوی قانونگذار نشان از رویکرد مقنن در پذیرش این دیدگاه دارد و با توجه به موارد ۳۰۴ و ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ماده ۳۱۵ و تبصره ۱ ماده ۳۱۴ آن ... صرف سن شناسنامه‌ای نمی‌تواند بلوغ یا عدم بلوغ و سن واقعی را به طور مطلق اثبات کند و مستلزم احراز بلوغ یا عدم بلوغ است که رویه جاری محاکم نیز می‌باشد و رأی شعبه سی و ششم دیوان عالی کشور به شماره دادنامه ۹۷۰۹۹۹۷۵۶۰۰۹۶۳ موضوع پرونده به شماره کلاسه ۹۶۰۹۹۸۱۲۱۲۷۰۰۰۹۸ شعبه اول دادگاه کیفری یک استان مازندران و نیز دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۱۵۱۹۴۰۱۲۱۲ شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران موضوع پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۱۲۱۲۷۰۰۰۹۸ و ایضاً رأی اصراری شماره ۱۳-۱۳۷۴/۳/۲۲-۱۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مؤید این نظر است. هیأت عمومی دیوان عالی کشور در این رأی، به علت تردید در بلوغ مرتکب حین ارتکاب جرم رأی صادرشده را نقض نموده است: چون پزشکان قانونی در نظریات ابرازی منجزاً به عدم بلوغ متهم در حین ارتکاب جرم بیان عقیده نموده‌اند و شناسنامه منتسب به وی نیز با توجه به کیفیت صدور آن، موضوع بلوغ را هنگام تحقق بزه اثبات نمی‌نماید و به ترتیب فوق و متهم در لحظه وقوع جرم محل تردید می

۱- مضبوط در صفحات ۱۴۰ الی ۱۴۳ از اوراق پرونده به شماره کلاسه ۹۶۰۹۹۸۱۲۱۲۷۰۰۰۹۸ شعبه اول دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی

به جرائم نوجوانان استان مازندران



باشد لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور حکم تجدیدنظر خواسته نقض می‌گردد (به نقل از: الهام و برهاتی، همان: ۲۵۵).

سابقاً با توجه به مسئله تفاوت‌های فردی در رابطه با رشد و بلوغ افراد و اینکه فرایند رشد در افراد با سرعت یکسان پیش نمی‌رود و عوامل متعددی همچون وراثت، محیط جغرافیایی، تغذیه و شرایط روحی و روانی در آن دخیل هستند، نمی‌توان همه اطفال معارض با قانون را به یک دید نگاه کرد و تنها معیار برای سن مسئولیت کیفری را رسیدن به مرز مشخص ۹ یا ۱۵ سال دانست؛ چرا که چنین ترازوی قطعاً توالی فاسد متعددی به همراه دارد و اگر سایر عوامل را در تشخیص مسئولیت کیفری طفل در نظر نگیریم، نه تنها عدالت و انصاف را در رابطه با چنین بزهکارانی رعایت ننموده‌ایم، بلکه با تحمیل مجازات بر آنها و ایراد یک واکنش سرکوبگرانه، جامعه را نیز برای این اطفال به یک محیط ناامن و نامساعد تبدیل کرده‌ایم، که همین موضوع در نهایت می‌تواند منجر به عدم پیش‌گیری از جرائم دیگر، از سوی آنان شود (میر محمد صادقی و محمدی، ۱۳۹۲: ۷ الی ۹) و این امکان وجود دارد که اشخاص در زمان‌ها، مکان‌ها و شرایط مختلف، در سنین متفاوتی بلوغ را تجربه کنند (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۶۲). پژوهش‌های علمی مؤید آن است که بروز نشانه‌های بلوغ در پسر و دختر بستگی تام به عوامل به عواملی مانند نژاد، آب و هوا، تغذیه و وضع اجتماعی دارد. بنابراین با نهادن به سن خاص دلیل بر آمادگی جنسی و به تبع آن پذیرش تکلیف نیست (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۹۷/۲).

به نظر نگارندگان، دیدگاه دوم به لحاظ استدلال قوی‌تر و قابلیت دفاع بیشتری دارد. در تقویت این دیدگاه می‌توان گفت که این برداشت با موازین فقهی و روح حاکم بر قوانین حاکم بر دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، سازگاری بیشتری دارد به ویژه که در ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک که دولت ایران بدان ملحق شده و در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ به تصویب مجلس نیز رسیده است کودک به افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود. البته، دیدگاه اول نیز قابل تأمل است؛ هر چند عدم صراحت قانونی در خصوص این‌که نشانه‌های بلوغ چیست از خلأ قانونی است و باید از سوی قانونگذار برطرف شود و اصلاح آن از سوی مقنن مورد انتظار است و چنین رویکردی از سوی مقنن پسندیده نیست که به صورت مبهم قانون‌گذاری نماید تا در عمل باعث صدور تصمیمات و آراء متفاوت و متعارض از مراجع رسیدگی کننده شود.

## ۲-۲- رشد جزایی

رشد به ضم راء و سکون شین در لغت به معنی «به راه راست شدن، در راه هدایت بودن، نمو کردن،

بالیدن، پایداری و مقاومت در طریق حق آمده است (معین، ۱۳۸۶: ۲/۱۳۳۶). قانونگذار ایران صراحتاً از عنوان رشد جزایی استفاده ننموده است و تعریفی از آن نیز بیان نکرده است. در کتب فقهی و حقوقی از رشد مدنی به مأخذ تشخیص سود و زیان سخن به میان آمده و رشد در معنای مدنی به معنای عقل معاش (عدم سفاهت) سخن گفته شده است. در این خصوص بیان شده است: «رشد جزایی کمتر در مباحث فقهی مطرح شده لذا عده بسیاری از فقها که آن را به معنای رشد مدنی دانسته‌اند و فرمودند رشد در مسائل کیفری لازم نیست با این که رشد جزایی در مقابل سفه که رشد مدنی است نمی باشد زیرا رشد جزایی عبارت است از آنکه عقل به مرتبه ای از کمال برسد که بتواند مسئولیت کیفری را تشخیص بدهد اما اگر کسی عاقل باشد ولی نتوانسته باشد به مسئولیت کیفری خود در مقابل عملی که انجام می‌دهد آگاهی داشته باشد رشد جزایی ندارد» (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹: ۵). در خصوص مفهوم رشد بیان شده است: «رشد (فقه - مدنی) کیفیت نفسانی است که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر (در رشد مدنی) یا حسن و قبح (در رشد جزایی) را تشخیص دهد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۳۴).

در جهت مشخص شدن مفهوم رشد جزایی و تفکیک آن با رشد مدنی بیان شده است: «رشد جزایی در مقابل رشد مدنی به کار می‌رود و مأخذ آن تشخیص حسن و قبح اعمال است چون انسان اول بدی و خوبی را تمیز می‌دهد و بعد نفع و ضرر را. لذا حجر مدنی ملازمه‌ای با حجر جزایی ندارد، ولی حجر جزایی مستلزم حجر مدنی است. زیرا هر کس که بدی و خوبی را تمیز نمی‌دهد، نفع و ضرر را هم تمیز نمی‌دهد چراکه بد به معنای عام شامل ضرر هم می‌باشد و خوب به معنای عام شامل نفع» (همان) و نیز بیان شده است: «رشد کیفری با رشد مدنی تفاوت دارد و رشد کیفری زودتر از رشد مدنی به وجود می‌آید زیرا رشد مدنی به معنی تمیز خوب یا بد بودن اعمال حقوقی است که امری فنی و تخصصی می‌باشد به گونه‌ای که حتی اشخاص بزرگسال نیز ممکن است خطا کنند اما رشد کیفری مربوط به تشخیص خوب یا بد بودن جرائم و کارهای عادی همچون سرقت و قتل و کلاهبرداری است که حتی اطفال نیز ممکن است آن را درک کنند از همین روی سن رشد مدنی ۱۸ سال قرار داده شده است» (زرعت، ۱۳۹۲: ۵۵۲/۲) و یا از نظر برخی، «رشد کیفری را برخورداری از درک ماهیت عمل مجرمانه و عواقب آن دانسته‌اند» (میر محمد صادقی، ۱۳۹۴: ۲۷۷). لذا در نظام حقوقی ایران توجهاً به ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان گفت اصطلاح رشد مدنی با اصلاح رشد جزایی (بلوغ فکری) متفاوت می‌باشد و مفهوم رشد جزایی علاوه بر درک حسن و قبح رفتار،

قدرت درک ماهیت و کمال عقل را در بر می‌گیرد و شخص باید به میزان درکی از موضوعات برسد که بتوان علاوه بر تشخیص خوبی و بدی و تشخیص حسن و قبح رفتار، آثار و نتایج رفتار خود را پیش‌بینی نماید و آن را مد نظر قرار دهد.

### ۳- مبانی فقهی ضرورت وجود رشد جزایی در مسئولیت کیفری

قانونگذار ایران در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صراحتاً مسأله رشد جزایی را مطرح ننموده و به صورت ضمنی و آن هم در جرایم مستوجب حد و قصاص مد نظر قرار داده است و این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا اساساً حکم مذکور در ماده ۹۱ دارای سابقه شرعی است و از نظر فقهی اساساً آیا علاوه بر بلوغ، جهت محکومیت افراد بالغ زیر ۱۸ سال، احراز رشد جزایی لازم است یا خیر؟ در پاسخ به این سوال و تبیین آن بررسی موضوع از منظر منابع چهار گانه شریعت اسلام (قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل) ضروری است. از این رو در جهت شناخت مبانی فقهی ضرورت وجود رشد جزایی در مسئولیت کیفری ابتدا به بررسی دیدگاه قرآن کریم، سپس روایات وارده در این خصوص را بیان می‌نمایم و در ادامه به بیان دلایل عقلی و النهایه به لحاظ عدم وجود اجماع در این خصوص، به بیان دیدگاه فقها در این خصوص می‌پردازیم.

#### ۱-۳- قرآن کریم

یکی از منابع احکام اسلامی قرآن کریم می‌باشد. باید توجه داشت اعتبار سایر منابع احکام اسلامی مستلزم عدم تعارض با این منبع احکام اسلامی است. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که دلالت بر ضرورت احراز رشد جزایی در مسئولیت کیفری دارد که می‌توان به واژه «اشد» در آیه ۱۵ سوره احقاف<sup>۱</sup> و آیه ۲۲ سوره یوسف<sup>۲</sup> اشاره نمود. در تفسیر «بلوغ اشد» بیان شده است: «بلوغ اشد به معنای سنینی از عمر انسان است که در آن سنین قوای بدنی رفته رفته بیشتر می‌شود و به تدریج آثار کودکی زایل می‌گردد، و این زمان از سال هجدهم تا سن کهولت و پیری است که در آن موقع دیگر عقل آدمی پخته می‌شود و ظاهراً منظور از آن رسیدن به ابتدای سن جوانی است، نه اواسط و یا اواخر آن که از حدود چهل سالگی به بعد است، به دلیل آیه‌ای که درباره موسی (علیه السلام) فرموده: «و لما بلغ اشد و استوی آتیناه حکما و علما» زیرا در این آیه کلمه «استوی» را آورد تا برساند موسی به حد وسط اشد رسیده بود که ما مبعوثش کردیم. و در آیه «حتی اذا بلغ اشد و بلغ اربعین سنه قال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک» چون می‌خواست

۱- حتی اذا بلغ اشد و بلغ اربعین سنه قال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک

۲- و لما بلغ اشد و استوی آتیناه حکما و علما

برساند در اواخر بلوغ خود چنین و چنان گفت کلمه چهل سالگی را هم اضافه کرده ، و اگر بلوغ اشد به معنای چهل سالگی باشد دیگر حاجت به ذکر «بلغ» و تکرار آن نبود بلکه می‌فرمود: «حتی اذا بلغ اشد اربعین سنه» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۸). بنابراین، استفاده از واژه بلوغ اشد در آیات قرآن کریم دلالت بر این امر می‌نماید که به صرف رسیدن به بلوغ جنسی نمی‌توان شخص را مسئول دانست.

### ۲-۳- روایت

یکی از منابع احکام اسلامی، روایات وارده از ائمه معصومین(ع) می‌باشد. از جمله روایاتی که دلالت بر ضرورت وجود رشد جزایی در مسئولیت کیفری دارد، می‌توان به روایت ذیل اشاره نمود. در روایت محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن أحمد بن یحیی، عن أبي عبدالله، عن علي بن الحسين، عن حماد بن عیسی، عن جعفر ابن محمد، عن أبيه علیهما السلام، عن علي عليه السلام، بیان شده است: «لا حد علی مجنون حتی یفیک، ولا علی صبی حتی یدرک، ولا علی النائم حتی یستیقظ» یعنی: «هیچ حدی بر شخص مجنون نیست تا این که افاقه یابد و بر طفل نیست تا این که درک کند و بر شخص خواب نیست تا این بیدار شود» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۲۲ و ۲۳). باید توجه داشت عبارت "حتی یدرک" در این روایت به معنای رشد غیر از مفهوم بلوغ می‌باشد و مفهوم آن دلالت بر ضرورت رشد جزایی در مسئولیت کیفری دارد به لحاظ این که راجع به امر کیفری و مربوط به جرائم حدی است.

### ۳-۳- ادله عقلی

آنچه از نظر عقلی ضرورت وجود رشد جزایی در مسئولیت کیفری را توجیه می‌نماید می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: اول این که از آنجائی که در امور مالی احراز رشد شرط است، به طریق اولی در امور کیفری، بایستی احراز رشد جزایی شرط باشد. دوم این که اصل احتیاط حکم می‌نماید در امور کیفری به خصوص در پرونده با موضوع جرائم واجد مجازات قانونی سنگین، رشد جزایی در اعمال مجازات شرط باشد. سوم این که عدالت اقتضا می‌کند شخصی که به کمال عقل نرسیده مجازات نشود.

### ۴-۳- دیدگاه فقهای امامیه پیرامون رشد جزایی در مسئولیت کیفری

در خصوص ضرورت وجود رشد جزایی در مسئولیت کیفری، در میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد که در قسمت ذیل به این دیدگاهها می‌پردازیم.

### ۱-۴-۳- قائلان به عدم ضرورت وجود رشد جزایی

در کتب فقهی، رشد بیشتر در مفهوم مدنی استعمال شده است و اکثریت فقهای امامیه رشد جزایی را

مطرح ننموده و در جرائم مستوجب حد و قصاص علاوه بر شرایط قصد و اختیار، بلوغ و عقل را مطرح نموده و به بحث جزایی نپرداختند و اساساً فقهای امامیه رشد جزایی را جهت تحقق مسئولیت کیفری شرط نمی‌دانند. طبق نظر این دسته از فقها، در اجرای حدود و قصاص و محکومیت مرتکب به حد، قصاص و اجرای این مجازات، بلوغ را کافی دانسته و اساساً بحث رشد جزایی و خصوصاً رسیدن به سن هجده سال که در قوانین کشور ایران و قوانین بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک را لازم نمی‌دانند (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹: ۳ الی ۵). مرحوم محقق حلی علاوه بر قصد و اختیار و بلوغ، کمال عقل (عقل) در مقابل جنون را به عنوان شرایط قصاص شرط دانسته و بیان داشته: «الشرط الرابع کمال العقل - فلا یقتل المجنون سواء قتل مجنوناً او عاقلاً و تثبت الدیه عاقلته». شرط چهارم از شرایط قصاص عبارت است از: کمال عقل، بنابراین مجنون به قصاص کشته نمی‌شود اعم از این که در دوره جنون مرتکب قتل عمد شده باشد یا در زمان عاقلی و دیه مقتول بر عهده عاقله مجنون است (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه ق: ۲۰۰، خمینی، ۱۳۹۰ ه ق: ۵۲۲ و خویی، ۱۳۹۶ ه ق: ۱۴۵). شهید اول در کتاب «لمعه» و شهید ثانی در کتاب «الروضه البهیة فی شرح اللعنه» نیز چنین عقیده دارند: «و منها کمال العقل فلا یقتل المجنون بعقل و لامجنون». دیوانه را در برابر عاقلی و یا دیوانه نمی‌کشند (شهید ثانی، ۱۳۹۸ ه ق: ۶۵).

در پاسخ به استفتائات به عمل آمده از فقهای معاصر، برخی نیز بر این دیدگاه قائلند. در پاسخ سؤال مبنی بر اینکه از آنجا که در حقوق عرفی کشور ما و بسیاری از کشورهای جهان سن رشد متعاملین<sup>۱</sup> برای ذکور و اناث ۱۸ سال شمسی تمام دانسته شده همین‌طور در قوانین جزایی کشور ما و اکثر کشورها، اطفال کسانی هستند که بیش از ۶ سال تمام و کمتر از ۱۸ سال تمام سن دارند و باید طبق قانون در دادگاه اطفال به جرایم آنها رسیدگی شود، بفرمایید: ۱ - آیا حاکم شرع در محاکم قضایی می‌تواند در احکام کیفری این افراد که از نظر شرعی بالغند ولی زیر سن قانونی ۱۸ سال هستند، تخفیفاتی قائل شود؟ ۲ - اگر جواب منفی است، با توجه به این که در اکثر کشورهای جهان برای بزهکاران زیر سن ۱۸ سال رژیم حقوقی و کیفری خاصی اعمال می‌شود که بیشتر مبتنی بر اقدامات تأمینی و تربیتی است و این امر به عنوان عرف قانونی در سطح بین‌المللی شناخته شده است، بفرمایید: آیا حاکم شرع می‌تواند با توجه به عناوین ثانویه (پیشگیری از وهن اسلام و نظام اسلامی و نیز جلوگیری از بهانه جویی سازمانهای بین‌المللی و معاندین اسلام و نظام اسلامی و به منظور عمل اجمالی به تعهدات بین‌المللی) در بعضی از مجازاتهای این دسته تخفیف قائل شود؟

آیت الله العظمی محمدتقی بهجت در پاسخ بیان داشتند: «در صورت ثبوت جرم در مواردی که حدی در شرع برای آن مقرر شده تخفیف و تعطیل حد نیست ولی می‌توان در این گونه موارد از طرُقی که منجر به اثبات کامل جرم نشود یا ترغیب ذی حق به عفو استفاده نمود» (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۱: ۳۴). آیت الله العظمی سیدعلی سیستانی بیان داشتند: «عموماً تعزیر به نظر حاکم شرع است و در حدود الهی و

قصاص فرقی بین افراد بالغ نیست ولو به ۱۸ سالگی نرسیده باشد. (همان) آیت الله العظمی صافی گلپایگانی در پاسخ بیان داشتند: «اجراء احکام اسلامی موجب توهین نمی‌شود و این تنازله‌ها به این بهانه‌ها از ضعف روحیه و عدم اعتماد به نفس است. (همان) آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی در پاسخ بیان داشتند: «بلوغ شرعی همان است که در کتب فقهیه مقرر شده (تمام شدن پانزده سال قمری در پسر و نه سال قمری در دختر) که همین مطلب در قانون مدنی نیز تصریح شده است. در تمام مسائل کیفری افرادی که به سن مذکور رسیده‌اند مانند دیگران دارای مسؤولیت کیفری می‌باشند و غیر از جنون رافعی برای مسؤولیت آنان نیست مگر در موارد استثنایی. بهانه‌های مذکور در سؤال رافع احکام شرعی نخواهد بود. بلی هرگاه اجرای حکمی مستلزم مفسد اعظم باشد طبق موازین می‌توان اجرای حکم را موقتاً با تشخیص حاکم شرع به تأخیر انداخت. شرط رشد، اختصاص به مسائل مالی دارد (فان آنستم منه‌م رشداً) و ربطی به مسائل کیفری ندارد. در امور فوق الذکر فرقی بین حدود و قصاص و یا پسر و دختر چنانچه واجد سایر شرایط باشند، نخواهد بود. (همان) همچنین در این خصوص بیان شده است: «رشد جزایی کمتر در مباحث فقهی مطرح گردیده است لذا بسیاری از فقها که آن را به معنای رشد مدنی دانسته و فرموده‌اند: رشد در مسائل کیفری لازم نیست با اینکه رشد جزایی در مقابل سفه که رشد مدنی است نمی‌باشد؛ زیرا رشد جزایی عبارت از آنکه عقل به مرتبه ای از کمال برسد که بتواند مسئولیت کیفری را تشخیص بدهد اما اگر کسی عاقل باشد ولی نتوانسته باشد به مسئولیت کیفری خود در مقابل عملی که انجام می‌دهد آگاهی داشته باشد، رشد جزایی ندارد مثلاً اگر شخصی، دیگری را به قتل برساند و خیال کند کشتن یک انسان مانند کشتن یک حیوان است و نتوانسته باشد بفهمد که انسان با حیوان متفاوت است چنین شخصی را نمی‌توان قصاص کرد لذا علامه حلی در «تحریر الاحکام» در مسئولیت کودک علاوه بر بلوغ، رشد را نیز لازم دانسته است دلیل بر این مطلب این است شخصی که نمی‌تواند تشخیص دهد عمل وی جرم است تفاوتی ندارد و اگر بنا باشد چنین شخصی را که قدرت تشخیص ندارد بتوانیم مجازات نمائیم لازم است شخص دیوانه را نیز بتوانیم مجازات نمائیم زیرا ملاک از مجازات تشخیص مجرم است و با عدم تشخیص نباید او را مجازات کرد. همچنین به استناد نظر علامه بیان داشتند که ایشان علاوه بر بلوغ، رشد را هم شرط دانسته‌اند (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹: ۵-۳). برخی در خصوص این شرط بیان شده از سوی علامه در تحریر بیان داشتند: «ما عن التحریر من الرشد مع البلوغ لا وجه له، إلا أن یرید به کمال العقل لا الرشد بالمعنی المصطلح، والله العالم.» یعنی، آنچه از علامه در تحریر الاحکام بیان نموده مبنی بر اینکه علاوه بر بلوغ، رشد نیز شرط است، توجیهی ندارد مگر اینکه مقصود از رشد، کمال عقل باشد و نه رشد به معنای اصطلاحی - رشد در مقابل سفه (نجفی، ۱۳۶۲: ۱۸۳/۴۲). به عبارت دیگر، صاحب جواهر شرط

رشد جزایی جهت تحقق مسئولیت کیفری را لازم ندانسته و شرط رشد در کلام علامه حلی در کتاب تحریر الاحکام را به کمال عقل تعبیر نموده است (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۳/۱۸۳).

همچنین، شهید ثانی نیز در شرح لمعه رشد جزایی را جهت تحقق مسئولیت کیفری شرط ندانسته و در خصوص مبنای این نظر که رشد جزایی در تحقق مسئولیت کیفری شرط است نظر علامه حلی را غیر واضح خوانده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۳۵۹)

امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله در باب قصاص پس از بیان شرط عقل و بلوغ به عنوان شرائط قصاص نیز چنین بیان می‌دارد: «لایشرط الرشد بالمعنی المعهود فی قصاص فلو قتل بالغ غیررشید فعلیه القود.» با توجه به عبارت رشد بالمعنی المعهود می‌توان برداشت نمود که حضرت امام خمینی (ره) رشد در معنی مصطلح آن یعنی عقل معاش (رشد در امور مدنی) شرط ندانسته است و اساساً به بحث رشد جزایی به عنوان شرط مستقل تصریح نشده است. (خمینی، ۱۴۳۴: ۵۵۸/۲)

#### ۲-۴-۳- قائلان به ضرورت وجود رشد جزایی

برخی از فقها علاوه بر بلوغ، رشد جزایی را نیز جهت پذیرش مسئولیت کیفری، شرط می‌دانند و معتقدند رسیدن به حد بلوغ کافی نیست بلکه رشد نیز شرط است. در خصوص ضرورت وجود رشد جزایی در تحقق مسئولیت کیفری با بررسی کتب فقهی می‌توان بیان داشت که فقهای امامیه به بحث رشد در امور مالی پرداخته و آن را در تحقق مسئولیت کیفری شرط ندانسته‌اند و اساساً به بحث رشد جزایی و وجود آن در تحقق مسئولیت کیفری نپرداخته‌اند. البته، از جمله فقهای متقدم، علامه حلی در کتاب تحریر الاحکام در باب حدود و نیز در باب قصاص علاوه بر بلوغ، رشد کیفری را نیز لازم دانسته است. به عنوان مثال، علامه حلی در تحریر الاحکام در مبحث حدود بیان می‌دارد: «اللواط هو وطء الذکران، سواء کان بإیقاب أو بغيره، و هو قسمان: الأول الإیقاب، و یجب فیہ القتل علی الفاعل و المفعول، مع بلوغهما و رشدهما». یعنی فاعل و مفعول لواط در صورتی مستوجب حد قتل می‌باشند که علاوه بر بلوغ، رشید نیز باشند (علامه حلی، ۱۴۲۰ هـ ق: ۳۳۰). همچنین، ایشان در مبحث قتل بیان می‌دارد: «والأقرب أن عمده خطأ محض يلزم العاقلة أرش جنایته حتی يبلغ خمس عشرة سنة إن کان ذكراً، و تسعاً إن کان أنثی بشرط الرشد فیهما.» یعنی قول نزدیک تر به واقع این است که عمد صبی، خطای محض محسوب می‌شود و عاقله ملزم به پرداخت دیه جنایت می‌باشد مگر آنکه پسر به سن ۱۵ سال و دختر به سن ۹ سال

برسند به شرط این که رشید باشند ( همان: ۴۶۴). ایشان در قواعد الاحکام نیز آن را شرط دانسته و در مبحث حدود بیان می‌دارد: «وجب القتل علی الفاعل و المفعول مع بلوغهما و رشدهما» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۳۶).

مرحوم فاضل هندی در کتاب کشف اللثام در باب لواط شرط رشد را لازم دانسته است (فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۲/ ۴۰۸).

در پاسخ به استفتائات به عمل آمده از فقهای معاصر، برخی بر این دیدگاه قائلند. در پاسخ سؤال مبنی بر اینکه از آنجا که در حقوق عرفی کشور ما و بسیاری از کشورهای جهان سن رشد متعادلین<sup>۱</sup> برای ذکور و انات ۱۸ سال شمسی تمام دانسته شده همین‌طور در قوانین جزایی کشور ما و اکثر کشورها اطفال کسانی هستند که بیش از ۶ سال تمام و کمتر از ۱۸ سال تمام سن دارند و باید طبق قانون در دادگاه اطفال به جرایم آنها رسیدگی شود، بفرمایید: ۱- آیا حکم شرع در محاکم قضایی می‌تواند در احکام کیفری این افراد که از نظر شرعی بالغند ولی زیر سن قانونی ۱۸ سال هستند، تخفیفاتی قائل شود؟ ۲- اگر جواب منفی است، با توجه به این که در اکثر کشورهای جهان برای بزهکاران زیر سن ۱۸ سال رژیم حقوقی و کیفری خاصی اعمال می‌شود که بیشتر مبتنی بر اقدامات تأمینی و تربیتی است و این امر به عنوان عرف قانونی در سطح بین‌المللی شناخته شده است، بفرمایید: آیا حاکم شرع می‌تواند با توجه به عناوین ثانویه (پیشگیری از وهن اسلام و نظام اسلامی و نیز جلوگیری از بهانه جویی سازمانهای بین‌المللی و معاندین اسلام و نظام اسلام) و به منظور عمل اجمالی به تعهدات بین‌المللی) در بعضی از مجازاتهای این دسته تخفیف قائل شود؟ آیت الله العظمی نوری همدانی در پاسخ بیان داشتند: «با رعایت دقت و مصلحت می‌تواند» (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۱: ۳۵).

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی در پاسخ بیان داشتند: «سن قانونی پسر و دختر از نظر اسلام همان است که در رساله‌ها آمده است، منتها برای شمول قوانین جزایی نسبت به نوجوانان کم سن و سال، لازم است حد نصاب رشد عقلی در زمینه مسائل جزایی احراز شود و اگر در مواردی مشکوک باشد حدود و قصاص مشمول قاعده درء است و اما در مورد عناوین ثانویه چنانچه واقع و به طور دقیق احراز شود که تعمیم قانون شرع نسبت به افرادی که فوق سن بلوغ شرعی و زیر سن ۱۸ سال قرار دارند سبب وهن اسلام در جهان خارج می‌شود، می‌توان برای آنها تخفیفاتی قائل شد. اضافه بر این، بسیاری از حدود از طریق اقرار اثبات می‌شود و دست قاضی در این گونه موارد باز است و همچنین در مورد تعزیرات، از اینها گذشته در مورد قصاص، قضات می‌توانند بعد از صدور حکم پا در میانی کنند و در مورد افراد کم سن و سال مذکور، به نحوی رضایت مجنی علیه را به دست آورند و یا آن را تبدیل به دیه یا مادون دیه کنند و با آموزش و درایت کافی این مشکل را می‌توان حل کرد» (همان). آیت الله العظمی سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی در پاسخ بیان



داشتند: «نمی‌تواند تخفیفاتی قائل شود، ولی در اجرای حدود اضافه بر بلوغ سنی، رشد عقلی و علم به حرمت هم لازم است» (همان).

بنابراین، از مجموع مطالب بیان شده فوق (دیدگاه فقهای امامیه) پیرامون موضوع می‌توان چنین استنباط کرد که آنچه قانونگذار در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جهت محکومیت اشخاص به مجازات حد و قصاص پیش‌بینی نموده و به نوعی لزوم احراز رشد در مسئولیت کیفری اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال را مطرح نموده است، دارای سابقه شرعی بوده و مغایر با مقررات شرعی نمی‌باشد؛ هر چند در این خصوص یعنی شرط وجود رشد جزایی اختلاف نظر است؛ لیکن می‌توان بیان داشت که قانونگذار تحت عنوان رشد و کمال عقل یا درک ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن، جهت محکومیت و اجرای مجازات حدی و قصاص آن را لازم دانسته است و این اقدام قانونگذار از سویی همسو با اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون کودک می‌باشد؛ چراکه در اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک که ایران به آن ملحق شده است صدور حکم اعدام و حبس ابد نسبت به اشخاص زیر ۱۸ سال منع کرده است و از سویی نشان از پذیرش دیدگاه اقلیت فقهای متقدم مبنی بر شرط بلوغ و رشد جزایی و نیز نظر فقهای معاصر که امکان تخفیف و تبدیل در مجازات جرائم افراد زیر ۱۸ سال را در جرائم حدی و مستوجب قصاص، تحت شرایطی می‌باشد تا راهکار قانونی در اختیار قضات محاکم رسیدگی باشد تا حتی الامکان از صدور مجازات های حدی یا قصاص در خصوص اشخاص زیر ۱۸ سال که شبهه در رشد و کمال عقل یا عدم درک ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن از سوی مرتکب می‌رود، خودداری نمایند.

#### ۴- ضرورت احراز رشد جزایی در مسئولیت کیفری در حقوق ایران

قانونگذار ایران در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به صورت ضمنی و آن هم در جرائم مستوجب حد و قصاص مسئله رشد جزایی را مطرح نموده و با توجه به متن ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «در جرائم حدود و قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند». توجهاً به عبارت «افراد بالغ زیر ۱۸ سال»، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا پس از رسیدن به حد بلوغ شرعی، بایستی اصل را بر رشد جزایی گذاشته و خلاف آن بایستی اثبات شود تا نتوان شخصی را به مجازات حدی و قصاص محکوم کرد یا اینکه در جرائم مستوجب حد و

قصاص جهت محکومیت شخص به حد و قصاص بایستی رشد جزایی احراز گردد؟. به عبارت دیگر، آیا قاضی مکلف به احراز موارد قید شده در ماده (درک ماهیت یا حرمت جرم، رشد و کمال عقل) جهت محکومیت شخص به حد یا قصاص می‌باشد یا خیر؟ لذا نظر به ابهام در مقرر قانونی فوق الذکر و عدم پیش‌بینی حکم صریح در این خصوص، همین امر باعث اختلاف نظر گردیده است و از مجموع قوانین و مقررات به طور کلی، درباره این چالش و ابهام اساسی حقوقی و قضایی دو دیدگاه وجود دارد که ذیلًا به بیان آن می‌پردازیم.

#### ۱-۴- دیدگاه لزوم احراز و اثبات رشد جزایی پس از بلوغ

بر طبق یک دیدگاه، قانونگذار احراز رشد و کمال عقلی را در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جرائم مستوجب حد و قصاص پیش‌بینی و آن را ضروری دانسته است که دادنامه به شماره ۱۳۹۲/۰۹/۱۲-۹۸۰۹۹۷۲۰۶۳۱۰۰۲۰۷ در پرونده به شماره بایگانی ۹۶۰۰۴۶ شعبه اول دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان استان مازندران<sup>۱</sup> مؤید این نظر است.<sup>۲</sup> زیرا

اولاً، نحوه نگارش ماده نشانگر تکلیف مقام قضایی مبنی بر احراز درک ماهیت یا حرمت جرم در رشد و کمال عقل در خصوص افراد بالغ زیر ۱۸ سال می‌باشد، به لحاظ اینکه در تبصره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مقام قضایی اختیار داده که جهت احراز رشد و کمال عقل نظر پزشکی قانونی را اخذ نماید که همین امر نیز نشان از لزوم احراز رشد و کمال عقل از سوی مقام قضایی می‌باشد. وجود شبهه در رشد و کمال عقل که در ماده ۹۱ پیش‌بینی شده، دلالت بر نظر مقنن

۱- دادنامه به شماره ۱۳۹۲/۰۹/۱۲-۹۸۰۹۹۷۲۰۶۳۱۰۰۲۰۷ در پرونده به شماره بایگانی ۹۶۰۰۴۶ شعبه اول دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان استان مازندران: «به موجب کیفرخواست صادره از سوی دادرسی عمومی انقلاب شهرستان بابل آقای م ر متهم است به قتل عمدی مرحوم م ع موضوع شکایت اولیای دم... با عنایت به محتویات پرونده، اقرار متعدد اولیه و مقرون به واقع متهم در مرجع انتظامی و دادرسی اولیه صحنه قتل (با توجه به بازبینی فیلم متهم در یک وضعیت معمولی به ایراد ضرب و جرح با چاقو نسبت مقتول اقرار می‌کند)، اظهارات مطلعین و حاضران و شرکت کنندگان در نزاع، نظریه پزشکی قانونی که پس از معاینه جسد علت تامه خود را شوکی هیپوولومیک و نارسای تنفسی ناشی از خونریزی داخل قفسه سینه در اثر بریدگی باز ریه و می‌دیاستن... تعیین نمود و ... باتوجه به این که متهم در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال سن داشت و پزشک قانونی به طور متعدد به عدم کمال عقل وی نظر داده است دادگاه بر مبنای علم قاضی متهم را به جهت قتل عمدی مرحوم م ع به پنج سال نگهداری در بند جوانان کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌نماید...»

۲- قید این سن به معنای عدم امکان احراز رشد کیفری در مورد افراد بالای سن ۱۸ سال نمی‌باشد بلکه در مورد اشخاص بالای ۱۸ سال قانونگذار اصل را بر رشد جزایی قرار داده و اثبات خلاف آن بر عهده مدعی می‌باشد.

بر اینکه بلوغ، نشانه رشد کمال عقل نمی‌باشد و بایستی علاوه بر بلوغ، رشد جزایی هم ثابت گردد و زمانی می‌توان فرد را به قصاص یا حد محکوم کرد که شبهه حاصل نشود. پس احراز رشد مستلزم تشخیص از سوی مقام قضایی در هر پرونده ارجاعی جهت رسیدگی می‌باشد و در این راستا می‌تواند نظر کارشناسی را به دلالت تبصره ماده ۹۱ اخذ نماید (میر محمد صادقی حسین، ۱۳۸۲: ۲۱).

ثانیاً، رشد یک مفهوم نسبی است و نه مطلق و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال هر شخص، شرایط مکانی، زمانی متفاوت است. لذا به نظر نمی‌رسد بتوان تمامی یا حتی اکثریت پسران را به صرف اینکه پانزده سال قمری تمام به بالا دارند یا تمامی یا اکثریت دختران را به صرف اینکه نه سال تمام به بالا دارند، از لحاظ بلوغ فکری رسیده و کامل فرض کرد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۲۷۷).

ثالثاً، قانونگذار ایران به دلالت ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی توجهاً به رأی وحدت رویه شماره ۳۰-۶۴/۱۰/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در امور مالی احراز رشد را لازم دانسته است، با تنفیح مناط و به طریق اولی در امور کیفری به خصوص در پرونده جرائم با مجازات قانونی سنگین، باید رشد جزایی احراز شود هر چند به لحاظ اهمیت امور غیرمالی نیز امروزه از قیاس اولویت بر لزوم وجود رشد در امور غیرمالی نیز استفاده می‌شود (پور اسماعیلی و عابدی، ۱۳۹۸: ۸۹-۶۸).

رابعاً، این دیدگاه با قاعده تفسیر به نفع متهم سازگاری دارد و نوعی نشان از نگاه حمایتی قانونگذار در خصوص اشخاص نوجوان (بالغ زیر ۱۸ سال) و برقراری سیاست جنایی اقتراقی در خصوص این اشخاص می‌باشد.

#### ۲-۴- دیدگاه عدم لزوم احراز و اثبات رشد جزایی پس از بلوغ

بر طبق دیدگاه دیگر، پس از رسیدن به سن بلوغ اصل بر این است که شخص بزهکار، دارای درک ماهیت یا حرمت جرم، رشد و کمال عقل می‌باشد و اعمال ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فرضی است که عدم درک ماهیت یا حرمت جرم از سوی اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال، برای مقام قضایی محرز گردد و در رشد و کمال عقل شخص شبهه باشد. زیرا

اولاً، اشخاص پس از رسیدن به حد بلوغ شرعی دارای مسئولیت کیفری می‌باشند مگر آنکه شبهه مذکور در ماده ۹۱ وجود داشته باشد و این ماده در موردی است که در اصل مسئولیت کیفری تردیدی وجود ندارد و آن چه مورد شبهه قرار گرفته، آن است که مرتکب ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکند یا رشد و کمال عقل وی مورد تردید است و قانونگذار تنها در مورد این اشخاص امکان خلاف اصل را ممکن می‌داند و در مورد اشخاص بالای هجده چنین شبهه‌ای پذیرفته نیست مگر

آنکه مطابق مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در اصل مسئولیت کیفری تردید به وجود آید (مانند آنکه در عاقل بودن مرتکب تردید شود) که در این صورت مطابق قاعده درء کل مجازات ساقط می شود. بنابراین بین نوجوانان و افراد بالای ۱۸ سال در شمول حکم از جهت اعمال قاعده درء موضوع ماده ۹۱ تفاوتی وجود ندارد و اساساً مستفاد از ماده ۳۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آن است که در صورت جمع بودن دیگر شرایط، صرف بلوغ در اثبات قصاص کفایت می کند لیکن با توجه به در نظر گرفتن حکم مندرج در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنانچه احراز شود مرتکب بالغ کمتر از ۱۸ سال حین ارتکاب جرم ماهیت جرم ارتكابی یا حرمت آن را درک نمی کند یا در رشد و کمال عقل وی شبهه وجود داشته باشد قصاص ساقط است (مصدق، ۱۳۹۸: ۱/۴۱۵ و ۱۳۹۷: ۴/۱۵۴ و ۱۵۵).

ثانیاً، مستفاد از ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ افراد پس از رسیدن به حد بلوغ شرعی و مسئولیت کیفری، برای این اشخاص در صورت عدم وجود شبهه مذکور ماده ۹۱ مانند سایر افراد کبیر بزهکار مجازات تعیین خواهد شد که نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲ مؤید این نظر است که مقرر شده است: «چنانچه فرد بالغ کمتر از ۱۸ سال که مرتکب جرم موجب حد یا قصاص شده ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک کند و در رشد و کمال عقل وی شبهه وجود نداشته باشد با عنایت به اینکه مستفاد از ماده ۱۴۶ قانون مذکور این است که افراد پس از رسیدن به سن بلوغ مسئولیت کیفری دارند لذا مانند سایر افراد کبیر بزهکار دادگاه نسبت به تعیین مجازات مطابق قانون اقدام می کند» (معاونت حقوقی قوه قضائیه، ۱۳۹۶: ۸۲).

ثالثاً، بر طبق نظر مشهور فقهای امامیه بلوغ برای تحقق مسئولیت کافی می باشد و رشد جزایی شرط نمی باشد تا بتوان گفت در هر مورد بایستی این شرط احراز شود.

رابعاً، رشد کیفری با رشد مدنی تفاوت دارد و رشد کیفری زودتر از رشد مدنی به وجود می آید. زیرا رشد مدنی به معنی تمیز خوب یا بد بودن اعمال حقوقی است که امری فنی و تخصصی می باشد به گونه ای که حتی اشخاص بزرگسال نیز ممکن است خطا کنند اما رشد کیفری مربوط به تشخیص خوب یا بد بودن جرائم و کارهای عادی همچون سرقت و قتل و کلاهبرداری است که حتی اطفال نیز ممکن است آن را درک کنند. از همین روی سن رشد مدنی ۱۸ سال قرار داده شده است و اصل بر عدم رشد شخص زیر ۱۸ سال است اما سن رشد کیفری همان سن بلوغ است و اصل بر آنست که شخص بالغ رشد کیفری هم دارد ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فرض را بر آن

گذاشته که افراد بالغ زیر ۱۸ سال رشید هستند پس کسی که مدعی خلاف آن است باید عدم رشد کیفری را ثابت کند (زراعت، ۱۳۹۲: ۵۵۲/۲).

به نظر نگارندگان، دیدگاه اول با روح حاکم بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سازگاری بیشتری دارد، هر چند دیدگاه دوم از استدلال قوی برخوردار است. البته، باید توجه داشت در صورت عدم صراحت قانونگذار و تردید بین دو نظر باید دیدگاهی را پذیرفت که بیشتر به نفع متهم می‌باشد که دیدگاه اول را تقویت می‌کند و آنچه مسلم است، قانونگذار با پذیرش مسأله رشد جزایی در جرائم مستوجب حد و قصاص گامی مهم و اساسی همسو با اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ برداشته و اقدام حمایتی با رویکرد افتراقی خود را در خصوص افراد بالغ زیر ۱۸ سال اعمال نموده است که دلایل آن فوقاً در متن بیان شده است.

### نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب پیرامون موضوع چنین حاصل شده است:

برخی از فقها علاوه بر بلوغ، رشد جزایی را نیز جهت پذیرش مسئولیت کیفری، شرط می‌دانند و برخی دیگر رشد را صرفاً در امور مالی شرط لازم می‌دانند و در امور جزایی، احراز رشد را جهت پذیرش مسئولیت کیفری شرط نمی‌دانند. آنچه که قانونگذار در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جهت محکومیت افراد بالغ زیر ۱۸ سال به مجازات حد و قصاص پیش‌بینی نموده است، دارای سابقه شرعی بوده، هر چند پس از رسیدن به حد بلوغ شرعی، در خصوص اصل را بر وجود رشد جزایی گذاشتن و یا عدم آن اختلاف نظر وجود دارد که به اعتقاد نگارندگان، -به رغم قوت استدلال طرفداران دیدگاه عدم لزوم احراز رشد جزایی پس از بلوغ- دیدگاه مبنی بر لزوم احراز و اثبات رشد جزایی پس از بلوغ و بنا بر اصل عدم رشد جزایی نهادن پیرامون ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و استدلال فنی و حقوقی‌شان بیشتر با روح حاکم بر قانون مجازات اسلامی و رویکرد حمایتی از افراد زیر ۱۸ سال و نیز قاعده تفسیر به نفع متهم سازگاری دارد. وانگهی، این دیدگاه با اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ نیز همسویی دارد به ویژه آن که همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران در هنگام الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲ متعهدند که مقررات مغایر یا ناقض مفاد کنوانسیون وضع نکنند. بدین ترتیب ماده ۹۱ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ که هم راستای مقررات کنوانسیون است باید به فال نیک گرفت.

در پایان، شایسته است که قانونگذار با وضع و الحاق یک تبصره به ماده ۹۱ ق.م.ا. به طور صریح مسأله رشد جزایی را برای به عنوان شرط ضروری در مسئولیت کیفری افراد بالغ زیر ۱۸ سال بیان

نماید و با بیان اصل عدم احراز رشد جزایی پس از رسیدن به بلوغ، جنبه تکلیفی برای دادگاهها در احراز آن قائل شود و به منظور رفع ابهام یاد شده این ماده به شرح ذیل اصلاح شود:

«در جرائم موجب حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال شمسی، ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنها شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن مرتکب جرم و نوع جرم ارتكابی به مجازات‌های پیش‌بینی شده در ماده ۸۹ محکوم می شوند. تبصره - تعیین مجازات حدی یا قصاص برای افراد بالغ کمتر از هجده سال شمسی، مستلزم احراز رشد جزایی است و دادگاه باید برای تشخیص آن با استعلام از پزشکی قانونی یا به طریق دیگری که مقتضی بداند، اقدام نماید.»

### فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ سی و دوم، تهران، نشر میزان.
- الهام، غلامحسین وبرهانی، محسن (۱۳۹۴) *آمدی بر در حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ایرانی ارباطی، بابک (۱۳۸۴). *مجموعه نظرهای مشورتی جزایی*، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- باختر، سید محمد رسول (۱۳۹۴). *مجموعه نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه پیرامون قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۵). *آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، چاپ سوم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- پور اسماعیلی، علیرضا و عابدی، محمد. (۱۳۹۸). *بررسی سن رشد در امور غیرمالی*. مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۶(۵۸).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *ترمیم‌ولوژی حقوق*، چاپ دهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- حر عاملی، محمد الحسن (۱۴۰۳ ه ق). *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، جلد بیست و هشتم، چاپ نهم، قم، انتشارات جامعه مدرسین.

- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰ ه ق). *تحریرالوسیله*، جلد دوم، چاپ دوم، نجف، دارالکتب العلمیه.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۳). *تحریرالوسیله*، ترجمه: علی اسلامی، جلد سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- خمینی، سیدروح الله، (۱۴۳۴ ق). *تحریر الوسیله*، جلد دوم، چاپ اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶). *مبانی تکلمه منهج*، جلد دوم، چاپ دوم، قم، نشر علمیه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت نامه*، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه*، جلد چهاردهم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳). *المفردات فی غریب القرآن* (تفسیر لغوی و ادبی قرآن) ترجمه: خسروی حسینی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرتضوی.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲). *شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی ۳*، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل.
- شکری، رضا و قادری، سیروس (۱۳۸۴). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، چاپ چهارم، تهران، نشر مهاجر.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم و دیگران (۱۳۹۶). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی*

- کنونی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، میزان.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۴ ه ق). مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، جلد چهارم، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه.
  - شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی (۱۳۹۸ ه ق). الروضه البهييه فى شرح اللعنه الدمشقيه، جلد دهم، چاپ دوم، نجف، جامعه النجف الدينیه.
  - شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۲ ق). الروضه البهييه فى شرح اللعنه الدمشقيه، جلد دوم، قم، دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم،
  - صانعی، پرویز (۱۳۷۶). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
  - صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۱). حقوق مدنی (اشخاص و محجورین)، چاپ هفتم، تهران، سمت.
  - طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). الميزان فى تفسير القرآن، جلد یازدهم، چاپ هفتم، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
  - عظیم زاده، شادی (۱۳۹۴). کمک حافظه حقوق جزای عمومی، چاپ چهاردهم، تهران، دور اندیشان.
  - علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴ ه ق). تذکر الفقها، جلد دهم، چاپ اول، قم، مؤسس آل البيت (ع).
  - علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۲۰ ه ق). تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الاماميه، جلد پنجم، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام.
  - علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ ه ق). قواعد الاحكام، جلد سوم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه.
  - عمید، حسن (۱۳۷۸). فرهنگ عمید، سه جلدی، چاپ ششم، تهران، چاپخانه سپهر.



- فاضل هندی (اصفهانی)، محمد بن حسن (۱۴۰۵ ق). کشف اللثام، جلد دوم، قم، نشر اسلامی.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مرعشی، سید محمد حسین (۱۳۷۶). *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*، چاپ دوم، نشر میزان.
- مرعشی، سید محمد حسن (۱۳۷۹). *نظرات فقهی و حقوقی در خصوص قضاوت زن از دیدگاه اسلام- بلوغ و رشد ، ماهنامه دادرسی ، شماره ۲۱.*
- مصدق، محمد (۱۳۹۸). *شرح قانون مجازات اسلامی*، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات جنگل.
- مصدق، محمد (۱۳۹۸). *شرح قانون مجازات اسلامی*، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- مصدق، محمد (۱۳۹۶). *شرح قانون مجازات اسلامی*، جلد سوم، چاپ دوم ، تهران، انتشارات جنگل.
- مصدق، محمد (۱۳۹۷). *شرح قانون مجازات اسلامی*، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- متین، احمد (۱۳۸۲). *مجموعه رویه قضایی قسمت کیفری*، چاپ دوم، تهران، انتشارات رهام.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ه ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام* ، جلد چهارم، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه (۱۳۸۱). *مجموعه آرای فقهی قضایی در امور کیفری*، جلد اول، چاپ اول، قم، نشر قضا.

- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۸). مجموعه قوانین و مقررات راجع به اطفال و نوجوانان، تحقیق: توحید وثوقی، چاپ اول، قم، نشر قضا.
- معاونت حقوقی قوه قضائیه (۱۳۹۶). *قانون مجازات اسلامی و نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه*، تدوین: شاهحیدری‌پور، محمدعلی و تحصیل دوست، فریدون، چاپ دوم، تهران، روزنامه رسمی کشور.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی، جلد اول وسوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات زرین.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۴). *جرائم علیه اموال و مالکیت*، چاپ چهل و پنجم، تهران، انتشارات میزان.
- نجفی، محمدحسن بن باقر بن عبدالرحیم (۱۳۶۲). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، جلد ۲۶ و ۴۱، چاپ هفتم، بیروت، انتشارات دار الاحیاء التراث العربی.
- پایگاه اینترنتی: <https://www.neshast.org> تاریخ ملاحظه: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰.